



آوازه‌های سرزمین مادریام

هنر / نقد

در جازدن، ذهن انسان را محدود می‌کند

◆ سونی لاتیل
میرمحمد صادقی

همین قبادی، دوسوم وقت خود را صرف زیر با گذاشتن کردستان می‌کند، چرا که دلمشغولی او عکاسی است، او توضیح می‌دهد: «در جازدن، ذهن انسان را محدود نگاه می‌نارد، اما سفر کردن امکان‌اندیشیدن می‌دهد، بر خوردهای استثنایی، مکانهای شگفت آور، فضاهای منحصر به فردی هست که نمی‌توان و نه در کلمات به در قلمها پیدا کرد؛ پس باید حتماً آن را زندگی کنی، این چیزی است که تصورات مرا غنی می‌سازد.»

«آوازه‌های سرزمین مادری ام» پهنه‌ای برای رسیدن به کردستان عراق، همچنین بزرگداشت عشق و زندگی است. فیلم داستان سفر آوازخوان پیرگرد ایرانی را به همراه پسران نوازنده‌اش تعریف می‌کند که به جست‌وجوی همسر سابق خود، «هناره» می‌روند. این زن که آوازخوان است، از ایران فرار کرده تا بتواند در کردستان عراق به کار مشغول شود، اما نیهوده میرزا به آن جا که می‌رسد، متوجه می‌شود تصور اشتباهی از این منطقه - که توسط حکومت مرکزی بهمانان گنجه - داشته‌است. فیلم، که در آن موسیقی نقشی برجسته دارد، از داستانی واقعی برداشت شده‌است. این فیلم خاطرات این خانواده - موسیقیدان را با خاطرات کارگران درهم می‌آمیزد. هس قبادی تأکید می‌کند: «هن تصور بزرگی از عراق امروز ارائه می‌کند، دیگر خنوادای رانمی ببیند که یکی از نزدیکان خود را از دست نداده باشند. این مردم آن جهان به جنگ خو کرده‌اند که دیگر آن را همچون یک بازی، زندگی می‌کنند. جنگ کاملاً عادی شده‌است. دنیا باید بداند که در واقع چیه اتفاقی دارد می‌افتد.»

در سال ۲۰۰۰، این سینماگر چاره‌دور بین طلایی جشنواره کن را برای فیلم «زمانی برای مستی اسبها» اولین فیلم بلند خود، دریافت کرده‌است. در اوایل کار که توسط خانوادهاش از نظر مادی حمایت می‌شد، حدود ۳۰ فیلم کوتاه ساخته‌است. وی خاطر نشان می‌کند: «تمرین بود برای آموختن سینما». او از نزدیکانش و زندگی روزمره، سرزمین خود فیلم می‌گیرد. برنامه‌ای که امروز برای او مهم است، داستان پدرش و رابطه‌اش با او است.

پروازی بلند برای قبادی

♦ جی. ال

از «زمانی برای مستی اسپها» همین قبادی که ما را با خشنودی هفت زده کرده بود، دو سال گذشته است. سرگذشتی دیگر از سینمای ایران جدا از کبارستمی، ناگهان ممکن شده. در این سال، بازگشتی دیگر با «آوازه‌های سرزمین مادری ام» به محک گذاشته شده است. به این ترتیب، در سینمای هجوعون زندگی، به نظر می‌رسد که همواره دومین بار بهتر خواهد بود. باز هم در سرزمین کرددا هستیم، سمت ایران، در ماهیانی که جنگ ایران و عراق جریان دارد. این نهادیدنی نظری نیست، ندای فیزیکی است. (نوی) صدای هواپیماهای مافوق صوت عراقی است که روستاهای مرزی را بی وقفه بمباران می‌کنند.

زیر آسمان این تهدید مداوم، «زندگی» زنده می‌ماند. به ویژه برای آوازخوان میرزا و دو پسر نوازنده‌اش، عوده و برات، که در این زمان بر موتور سه چرخ سوارند تاریایی از «هتاره» همسر قدیمی میرزا و آوازخوان زن مشهور گرد بیاند. جستجوی آنان می‌رود که به بدترین قطعه خود برسد؛ روستاهای ویران شده، کشتارهای وسیع، اردوگاه یتیمان، زنی که چهره‌هایشان بر اثر بمبارانهای شیمیایی تغییر کرده؛ هر فیلمی ممکن بود از وحشت، در همین جا متوقف گردد. پیام خوش «آوازه‌های سرزمین مادری ام» و نیروی روه پیش آن، در این است که به هر قیمتی پامی فشارد.

طی این جهنم پایان دنیا، زندگی همراه با شوخ طبعی جنون آمیز آن ادامه دارد (صحنه‌های مکرر بگو مگو میان پدر پسر و دو پسر بزرگش). همراه با جنبه‌های شاعرانه آن (کوچه‌های سرزمین کردها مانند رویای انجیلی). اشاره‌هایی به مرسدلاری معروف ایرانی (همه زنها از آن نوع اند که بر بار ابلهان گنده‌ای که همراهی شان می‌نمایند، دهان باز می‌کنند، چشم به سوی آسمان می‌برند و لجنندی بر لب دارند) و نیرویی رقصان (آواز خواندن بر علیه بمبها) سرگذشتی بد که به سرنوشت محتوم بدل می‌شود.

در پیچ جاده‌های سنگلاخ، آن چه باور نکردنی است، پیش می‌آید و ما را بهت زده بر جای می‌گذارد: آموزگاری است که کلاس خود را در هوای باز آواره می‌کند. برای آموختن مفهوم «هواپیما» به شاگردان کم‌سال خود در حالی که شکارچیان ضد هوایی عراق آسمان را خط خطی می‌کنند، گویی طبری ناامیدانه و شوخ طبعی آزادانه‌ای است که درس با دست‌های از هواپیماهای کوچک کاغذی به نتیجه می‌رسد. تنها یک تصویر بر علیه جنگ؛ همین کافی است.

لیبراسیون / ۲۰۰۲مه ۲۴

او همان طور فیلم می‌سازد که دیگران معجزه؛ می‌کنند

♦ آکن لاویل

همین قبادی تنها به زبان ایرانی حرف می‌زند؛ به همین دلیل بیشتر تأثیرگذار است. او جایزه فرانسوا - شاله ۲۰۰۲ را برای «آوازه‌های سرزمین مادری ام» دریافت کرده است. آن چنان که، دیروز، تی بری رویود نوشته بود: «او همان طور فیلم می‌سازد که کسان دیگری معجزه می‌کنند».

همین قبادی ۳۳ ساله، متولد بانه، دارای جایزه دورین طلائی کن ۲۰۰۰ برای «زمانی برای مستی اسپها» از توجوانی، وقتی که تازه به فیلم‌های کوتاه خود می‌اندیشید، دورین به دست دارد. او فروتنی بررگان دارد، روی مشکلائی که برای گرفتن فیلم خود در دو کردستان، ایران و عراق داشته است تأکید می‌کند: «منی خواسته شهادت کردها را برای ادامه زندگی نشان بدهم».

به گفته «پاتریک دو کارولیس، از فرانس و از فیگارو مگرین، او دارای انگلی سرشار از روشنی و آساندوستی است». روایت او لطین انداز حقیقت است، همچنان که جایزه فرانسوا - شاله که ابتدا پیروبو، سپس ژیل ژاکوب رئیس جشنواره آن را تأیید می‌کنند، به یاد کلمه‌های کلیدی این اسناد می‌اقت: «روزنامه نگاری که صضاتی او مانند افسون بود!» «من، موجودات کلمات و تصاویر را دوست دارم. با ادغام آنها، تلاش کرده‌ام زندگی را بسازم».

نوربرالی، مدیر کل جانشین تلویزیون که لورانس یک ستاره «شهای فرانس ۲» او را همراهی می‌کند، از فرانسوا این طور تقدیر می‌کند: «سردی ای که او را بدان منتهی می‌کردند، تنها شیوه‌ای برای پنهان داشتن نجابت بی اندازش بود».

هوداران او این جا هستند. دوره به شش شاله، سوفی آگاسیسکی، دنس سیوتری، ژرار کاریر و رئیس شبکه آدیسه، سرزادا رئیس شبکه TV5، آلتر ماتیو، RMC سابق + Canal، همیشه روی بخش شنیداری و دبداری کارگردان ژان شارل ناچلا، لاکدار آمتیا، رنه گیتون، نویسنده و ناشر ماسیو گارجیا و ...

اتمسفر / ۲۶ مه ۲۰۰۲

از شادی و از خشم

◆ قتی یری ریوی یری

اگر برگ اختخاری از نوع شاعرانه ترین آن وجود داشته باشد، مطمئناً به همین قبادی تعلق خواهد گرفت. پس از «زمانی برای مستی اسپها» شاهکار کوچکی از عواطف خالص که بسیار علاقه‌نا دوستال پیش در کن یک دورین طلایی یاداش گرفت، اکنون «آوازهای سرزمین مادری ام»، دوباره ما را به کردستان ایران، سرزمین مادری سینماگر می‌فرستد.

همانند «زمانی برای مستی اسپها» جنگ ایران - عراق در اکران دیده نمی‌شود، اما حضور فراگیر آن همه جا را در نوار صدایی، در فواصل منظم با صدای هوایملانی مافوق صوت عراقی که بر روی روستاهای مرزی پرواز می‌کنند، فرامی‌گیرد.

در مقابل این بدبختی که همواره بر فراز سر مردم در پرواز است، کردها نگرانی به خود راه نمی‌دهند و به آواز خواندن، رقصیدن، عاشق شدن و دعواهای جنجال برانگیز مانند بچه‌ها ادامه می‌دهند. حال، بیش از اینها باید اتفاق بیفتد. ناجلوی آوازخوان پیری مثل «سیرزا» را بگیرد، که دو پسر نوازنده‌اش را سوار نکند و به رغم اعتراضهای آنها (یکی دلیل می‌آورد «س هفت زن و سیزده بچه دارم که باید سیر کنم») از راه خود پشیمان نشود.

آنها در یک سفر طولانی به جست و جوی یکی از همراهان قدیمی اش، زن آوازخوان مشهوری که به آن طرف مرز رفته تا زندگی کند، می‌روند.

برترین اتفاق همیشه در راه است. رؤیای سفر این سه نفر با موتور سه نفره‌ای در دامنه‌های کردستان در دشتی یامی گیرد که مردم آن برانگنده شده و با آنان بدرقتاری شده است. تصویرهای روستاهای بمباران شده، اردوگاههای پناهندگان و اجساد رنایی که بر اثر بمبارانهای شیمیایی چهره‌شان دگرگون شده، در کردستان ایران، بدترین اتفاق همیشه در راه است و پس از آن در شتاب جاده‌ای پر سنگلاخ، آن‌چه غیر قابل تصور است، یا بیش از آن امیدی به آن نمی‌رود، سر برمی‌آورد.

آموزگاری کلاس خود را در طبیعت باز اداره می‌کند، در حالی که برای شاگردان خود توضیح می‌دهد که هوایسما چگونه کار می‌کند. در آسمان شکارچیان ضلعوایی عراق به روزز ادامه می‌دهند و ناگهان درس با پرواز دسته جمعی هوایسماهای کاغذی به نقطه، پایان می‌رسد!

تصویری از شادی در دنیای از خشونت، شوخ طبعی و شعر همچون سلاحی علیه جنگ «همین قبادی همان گونه فیلم می‌سازد که گمان دیگر معجزه می‌کنند.»

نپس متن / ۲۵ مه ۲۰۰۲

دورنمای منتخبان

◆ اس بی دی

در سالهایی که جنگ ایران و عراق جریان دارد، زمانی که نبردی هوایی عراق به طور دائم منطقه، کردها را بمباران می‌کند، آوازخوان کرد ایرانی به همراه دو پسرش به جست و جوی زن سابق خود می‌رود. دومین فیلم همین قبادی، پس از «زمانی برای مستی اسپها» با کسب جایزه دورین طلایی در کن سال ۲۰۰۰، استعداد این کارگردان جوان را ثابت می‌کند. این فیلم خشک و فاقد لطافت، برغم موسیقی حزن انگیز ترانه‌های سرزمین مادری، بدون آن که هرگز به ملودرام چنگ اندازد، گاه با سرودی، واقعیت نسل کشی قوم کرده را نمایش می‌دهد. فیلم «آوازهای سرزمین مادری ام» با برخورداری از صحنه‌پردازی گسترده، تعدادی میان داستان اصلی و غیر عادی و طنز آمیز گروهی نوازنده برقرار می‌کند، لحظه‌ای که همسر «لناره»، واقعیت نسل کشی مردمش را میان اجساد و زنان شکنجه شده در می‌یابد، نمونه‌ای از خوشبختاری و حذف سینمایی را در یکاگیری روایت برای رسیدن صحیح و کامل به واقعیت یک فاجعه می‌بینیم.

نشریه کولتور / ۲۵ مه ۲۰۰۲

● مجموعه نقد حاضر در آینه‌د نزدیک دو کتاب «آوازهای سرزمین مادری ام» که توسط انتشارات فرنگ کاوش منتشر خواهد شد، خواهد آمد.